



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



ہمایٰش عسکرِ بین (علیہما السلام)

سخنراتی حضرت آیت ... سید حسن فقیہ امامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

همایش عسکرین (علیهما السلام)

نویسنده:

آیت الله سید حسن فقیه امامی

ناشر چاپی:

مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	همایش عسکریین علیهما السلام
۶	مشخصات کتاب
۶	متن سخنرانی
۳۸	درباره مرکز

همايش عسكريين عليهما السلام

مشخصات كتاب

شمارگان 2500

نوبت چاپ اول

تاریخ چاپ 1386

سخنرانی حضرت آية الله حاج سيّد حسن فقيه امامی مدّ ظلّه العالی

در همايش سامرا و تخريب حرم

عسكريين - عليهما السلام -

ص: 1

متن سخنرانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص: 2

سخنرانی

حضرت آية الله حاج سيّد حسن فقيه امامی

(مدّ ظلّه العالی)

در همایش سامرا و تخریب حرم

عسکریّین علیهما السلام

ص: 3

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ حَمْدًا أَزَلِيًّا أَبَدِيَّةً، وَأَبَدِيًّا بِأَزَلِيَّتِهِ، سَرْمَدًا بِإِطْلَاقِهِ مُتَجَلِّيًّا مَرَايَا آفَاقِهِ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ أَنْبِيَائِهِ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ
وَالسِّرَاجِ الْمُنِيرِ سَيِّدِنَا أَحْمَدَ وَنَبِيِّنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدَ، وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

ابتداءً تشکر می کنم از همه سروران عزیزى که قدم رنجه فرمودند و به خاطر التیام دردهای دل حضرت

ص: 5

بقية الله - ارواحنا له الفداء - در این همایش شرکت کردند.

من واقعاً زبان عذر خواهی ندارم، اجر همه شما با خداوند متعال و امیدوارم که مورد نظر حضرت بقية الله - ارواحنا له الفداء - باشیم.

و عرایضی را خدمت شما تقدیم می کنم و زیاد اوقات شریف شما را اشغال نکنم.

ما مسلمان ها به طور عموم و ما شیعه به طور خصوص خیلی باید خسارت مسامحه را بپردازیم.

امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - درد دلشان همین بود. اصحابشان، آن استقامت و آن جدیت و آن دلسوزی که باید داشته باشند را نداشتند و این مسامحه ها موجب شد که امیرالمؤمنین - علیه السلام - خانه نشین شوند و مشکلات دیگری از این قبیل برایشان پیش بیاید.

ما گاهی باید بنشینیم، فکر کنیم که از کم کاری ها، از

ص: 6

بی همتی ها و از بی فکری ها چه مشکلاتی پیش می آید.

قرآن کریم می فرماید:

«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (1).

اگر ما ایمان راسخ داشته باشیم، سستی معنا ندارد، حزن و غم، معنا ندارد.

تعارف که نداریم، بهترین ادیان، دین اسلام است و این مسأله ای است که حتی دشمنان اسلام هم به جامعیت این دین کامل اقرار دارند.

همین يك ساعت قبل، عدّه ای از آمریکا برای مصاحبه آمده بودند. یکی از سوالات این بود که: پذیرش جوان ها نسبت به اسلام در چه حدّ است؟

ص: 7

گفتم: چون دین اسلام يك دین عقلی است، گرایش انسان ها هر چه بیشتر درس خوانده باشند، به اسلام بیشتر است. و ما به شما توصیه می کنیم مطالعه کنید. بهترین دین در اختیار ماست.

« إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ » (1).

ادله ما، معارف ما، مسائل اخلاقی و احکام فقهی ما، سرآمد تمام معارف و احکام و ادله ادیان دیگر است. این ها در مقایسه معلوم می شود.

فرقه شیعه اثنی عشری در میان هفتاد و سه فرقه مسلمین - بدون تعارف، بدون اجحاف و مبالغه - راستی قوی ترین، نیرومندترین و پربارترین مطالب را دارد. حرف برای گفتن دارد.

ص: 8

مثلاً مکتب حدیثمان را با مکتب حدیث اهل سنت مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم کدام پربارتر است؟ کدام حجمش بیشتر است؟ کدام پر محتواتر است؟

و همچنین در سایر معارف ما، دوازده امام معصوم داریم که معارفمان را از ایشان می‌گیریم. یکی از این معارف را هم آنها ندارند.

بنابر این بهترین دین را داریم، بهترین مذهب را هم داریم.

اگر این حربه‌های قوی در دست هر ملّتی بود، بیش از این از آنها استفاده می‌کردند.

کم‌کاری می‌کنیم، من حالا نمی‌خواهم بین پیروان ادیان باطله و مذاهب ضالّه و بین عمل‌کرد خودمان مقایسه کنم. نمی‌خواهم اسم ببرم و توضیح دهم چون ترویج باطل می‌شود. ولی انصافاً کم‌کاری می‌کنیم.

ص: 9

می توانیم کار کنیم.

مخصوصاً ایرانی ها امتحان خود را در دنیا پس داده اند. مغزهای قوی، فکرهای باز و طراح های بسیار چشمگیری داریم. الان می بینیم که در المپیادها برنده می شوند، در تست های مختلف تست های جهانی برنده می شوند.

معلوم می شود فکر دارند، معلوم می شود که می توانند همّت کنند و به مراحل عالی برسند.

اما در مسائل مذهبی آن طور که باید و شاید کار نمی شود. البته مشکل هم هست. باید منصف باشیم.

ما در يك جبهه نمی جنگیم. در جبهه های مختلف باید بجنگیم. با مادیون يك گونه باید بجنگیم، با ارباب ادیان مختلفه مثل یهود و نصاری گونه ای دیگر بجنگیم، با فرّق ضالّه هم همین طور. در بین مسلمین هم باید با مذاهب مختلف دست و پنجه نرم کنیم.

ص: 10

کار ساده ای نیست، اما عجیب است که همین مکتب شیعه جواب گوی همه آنها خواهد بود. یعنی الآن قلم به دست های شیعه چیزی را برای شبهات مخالفین باقی نگذاشته اند. در هر زمینه ای آن چنان کار کرده اند که حدّ و حساب ندارد. ولی باز هم باید عرض کنیم که کم کاری می کنیم دشمن با تمام قوا و چهره های گوناگون ریشه می کُند و وقتی ما احساس می کنیم انحراف دارد، ریشه می زند، همان وقت باید به فکر باشیم و انحرافات را در نطفه خفه کنیم، ولی مسامحه می کنیم، کوتاهی می کنیم، مدارا می کنیم، سازش می کنیم وقتی خوب رخنه کرد، دیگر حریف آنها نیستیم. انحرافات مانند سرطان است، خبر نمی کند وقتی خوب ریشه کرد، آن وقت بروز می کند.

چرا باید در کشور ما وهابیت بتواند رخنه کند؟

ص: 11

علتش چیست؟ من بررسی کرده ام و دیده ام آن وقتی که آثارش ظاهر شده است، دائماً مسامحه کرده ایم، کار به اینجا رسیده، حالا هم مسامحه می کنیم، در آینده خدا رحم کند. آنها خیلی کار کرده اند؛ یعنی استعمارگران راه رخنه کردن را تجربه کرده اند، آموخته اند، می دانند چه کار کنند، ما باید بیدار باشیم!!!

از قول مرحوم آقای صهری- رحمة الله عليه - که از خطبای بسیار عالی مقام شهر ما بودند، قصه ای نقل می کنند که تاجری از اصفهان به سمت تهران حرکت کرد، در آن زمان وسیله هم نبود، یک سری وسائل قیمتی هم همراه داشت، غلامش را برداشت و با هم به طرف تهران حرکت کردند؛ در راه به غلامش گفت: ما باید نوبت بگذاریم. مقداری من می خوابم تو بیدار باش و مقداری تو بخواب من بیدار می مانم، مراقب اموالمان

ص: 12

باشیم تا دزد آنها را نبرد.

مقداری از راه را طی کردند تا خسته شدند، به غلام گفت: تو استراحت کن، من بیدار می مانم، غلام استراحت کرد و آقا نشست تا خوب که خواب هایش را رفت، بیدار شد، آقا گفت: حالا من می خوابم تو بنشین و مراقب باش. خوابید، اما نگران بود که نکند غلام خوابش ببرد و دزد بیاید و اموالش را ببرد. بیدار شد، دید غلام نشسته است، گفت: غلام خوابی؟ بیداری؟ گفت: بیدارم. گفت چه کار می کنی؟ گفت: فکر می کنم. گفت: چه فکری می کنی؟ گفت: فکر می کنم میخ طویله را که در زمین می کوبند خاک هایش کجا می رود؟ گفت: خوب تو بیدار باشی کافیت، کار با او نداریم.

مقداری دیگر استراحت کرد و دوباره از خواب پرید گفت: غلام خوابی؟ بیداری؟ گفت: بیدارم. گفت: چه

ص: 13

کار می کنی؟ گفت: فکر می کنم. گفت: چه فکری؟ گفت: این همه خار در این بیابان است، فکر می کنم چه کسی اینها را تیز کرده است، چه حوصله ای داشته یکی یکی بنشینند اینها را تیز کند؛ تاجر گفت: باز هم خوب است، الحمد لله بیدار است، و دوباره خوابید.

مرتبه سوم بیدار شد و غلام را صدا زد گفت: غلام خوابی؟ بیداری؟ گفت: بیدارم، گفت: چه کار می کنی؟ گفت: فکر می کنم. گفت: به چه فکر می کنی؟ گفت: فکر می کنم دزد یعنی چه؟ گفت: دزد آدم بیگانه ای است که می آید اموال آدم را بر می دارد و می برد. گفت: دزد این است؟ گفت: بله. گفت: این که همان وقت آمد و اموال را برد.

ما این چنین هستیم، بعد از اینکه اموالمان را بردند و سرمایه های ما را سرقت کردند، تازه می گوئیم دزد

کیست؟ تازه می خواهیم بفهمیم دزد کیست؟

این خطر بزرگی است، من تاریخ ادیان را بررسی می کردم، دیدم واقعاً چقدر هنرمندانه در کشورهای اسلامی رخنه کرده اند و آنها را متلاشی و نابود کردند. واقعاً این شباهت، تزلزلی ایجاد کرده که تمام این کشورهای اسلام را از هم گسیخته کرده است. حتی در يك کشور به عدد هر سری، يك فکری هست.

چگونه اینها این کارها را کردند؟

ریشه، ریشه عجیبی است، سیصد سال پیش يك نفر یهودی به فکر افتاد که مسیحیت را متلاشی کند.

گفت چاره ای نیست باید فرقه گرایی کرد. تمام مسیحی های روم، کاتولیک بودند. این شخص یهودی آمد و این فکر را بین آنها القا کرد که در مسیحیت يك خرافاتی هست، ما باید با خرافات مبارزه کنیم. راه

ص: 15

مبارزه با خرافات این است که ما متکی به عقلمان باشیم؛ از يك طرف عقل گرا باشیم و از طرفی مساله شفاعت - یعنی این که عدّه ای بیایند واسطه بین مردم و خدا بشوند تا گناهانشان بخشیده شود. - را هم سفره اش را جمع کنیم. فقط و فقط ما انجیل را می شناسیم، آن هم نه با آن دیدگاهی که گذشتگان انجیل را مطالعه می کردند. ما باید انجیل را فقط سند قرار دهیم با قرائت جدید. و طبق همان گفتاری که:

« حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ » (1).

از همین دریچه وارد شد گفت:

« حَسْبُنَا الْإِنْجِيلُ ».

انجیل بس است ما دیگر احتیاجی به غیر از انجیل

ص: 16

1- بحار الأنوار: ج 22 ص 3- علیه السلام -4

نداریم. عقل را کنار انجیل می گذاریم هر جا عقل با انجیل تطبیق کرد که هیچ، هر کجا انجیل با فکر ما منطبق نبود ما انجیل را بر مبنای افکار خودمان منطبق می کنیم.

باید قرائت جدید از انجیل داشته باشیم نوگرا باشیم و این گونه، مکتب پروتستان را به وجود آورد.

مسیحی ها، دو فرقه شدند، یک عده پروتستان و عقل گرا شدند و یک فرقه هم همان راه کاتولیک خود را ادامه دادند. بعد از سیصد سال، هر ساله یک جنگ خونینی بین این دو فرقه وجود دارد. به جان هم می ریزند و کشت و کشتار می کنند. پایه گذار این مفسده یک نفر یهودی است.

خوب، این تجربه در غرب جواب داد. یهودی ها دیدند عیناً همین کاری که با مسیحی ها کردند با مسلمان ها هم بکنند و برای آنها هم برنامه ریزی بکنند

ص: 17

و این‌ها را از هم بپاشند و متفرق کنند تا یَدِ واحده نباشند. چون اگر این‌ها در دنیا با هم متحد شوند، دیگر غربی، یهودی، مسیحی، هیچ چیز نخواهد بود. اسلام هم امتحان خودش را داده است. اسلامی که با صدهزار مسلمان در صدر اسلام، فتوحات داشته است، این‌ها همان هستند ممکن است اگر جلویشان باز شد، با هم متحد شوند و برای ما مسئله ساز شوند.

می‌دانید، يك عده از ایرانی‌های ما هم غرب زده بودند و هنوز هم هستند. در غذا خوردن، در لباس پوشیدن، در طرز تفکر، در برنامه‌های اجتماعی، در برنامه‌های اعتقادی، همه و همه مقلد غرب‌اند. نشسته‌اند ببینند آنها چه کرده‌اند، این‌ها هم بکنند. در این مسائل هم دیدند، بد نیست از این روش استفاده کنند.

ص: 18

در فرانسه يك گروهی روشنفکر تربیت کردند. در فرانسه مرکزی هست که در ده سال پیش آمار دادند، صد و پنجاه استاد اسلام شناس یهودی در آنجا مشغول کارند تا ببینند چگونه روی برنامه های اسلام برنامه ریزی کنند تا از بین برود. صد و پنجاه کارشناس اسلام شناس !؟

الغرض، يك عدّه ای را تربیت کردند و به ایران فرستادند و بعد هم متشکّل شدند و عین همان برنامه ها را پیاده کردند. گفتند: ما قرآن را ملائک قرار می دهیم، عقل هم میزان است. اگر قرآن با عقل سازش پیدا کرد، که هیچ، اگر نشد قرآن را با عقل خودمان توجیه می کنیم. حزب راه انداختند، ارباب قلم را استخدام کردند، از حسینیه ها استفاده کردند، از روحانیونی که توانستند به آنها شستشوی مغزی دهند استفاده کردند،

ص: 19

از مجالس مذهبی استفاده کردند، منبرها را تبدیل به تریبون کردند.

در تهران سیزده نفر سخنران تربیت کردند که جای منبرها را اشغال کنند و با تریبون با مردم صحبت کنند.

از حسینیه ها استفاده کردند، حسینیه ای که با پول امام زمان ساخته شده بود، همان حسینیه را پایگاه قرار داده برای کوبیدن مکتب امام حسین- علیه السلام-، برای مبارزه با عزاداری امام حسین- علیه السلام-، برای مبارزه با تشکیل مجالس امام حسین- علیه السلام-، و این قدر زیبا این برنامه ها را پیاده کردند که ما هنوز هم که هنوز است می گوییم: دزد کیست؟! و دزد یعنی چه!؟

قلمها را به دست گرفتند، اولین کاری که کردند (قبل از انقلاب) در ظرف تقریباً ده سال، این بود که شروع به ترجمه آثار مصری ها کردند.

ص: 20

چرا؟ برای این که همان مکتب پروتستان را پروتستان اسلامی را، اول در هند پیاده کردند. در آنجا به دست سر احمد خان هندی، دانشگاه به وجود آوردند، و سر احمد خان، دقیقاً قرآن را به آراء عقلی خودش تفسیر کرد. من چهار جلد از تفسیرهایش را موجود دارم. این کاری که می خواستند بکنند، اول به قلم او انجام گرفت و طرحش موفق هم بود، يك عدّه مسلمان نادان، نوگرا، عقل گرا، به آنها گرایش پیدا کردند و این ها موفق شدند جریان را به مصر منتقل کردند. در مصر چاشنی وهابیت هم به آنها خورد. يك عدّه از اساتید و روشنفکران مصری را استخدام کردند و آنها با بیان و قلم شروع به ترویج همان افکار کردند.

بعد کار را در عراق دنبال کردند. در آنجا همین برنامه را به دست کسی به نام: «علی الوردی» اجرا کردند.

در ایران، از «کسروی» شروع کردند و این برنامه ها را پیاده کردند. بعد کارها را تقسیم کردند.

من همه این ها را دقیق بررسی کردم. دیدم واقعاً چقدر زیبا برنامه ریزی کردند. چون اگر يك نفر بلند شود و بخواهد با تمام مقدّسات شیعه، يك جا مبارزه کند خرد می شود، شکستش می دهند. برای همین کارها را تقسیم کردند، قرار شد يك نفر در رابطه با تقلید بحث کند و با آن به وسیله جزوه، کتاب، سخنرانی مبارزه کند.

و جالب این است که اگر این ها بخواهند مبارزه با تقلید بکنند دیگر خودشان را نباید مطرح کنند. اما به مردم می گفتند مراجع را رها کنید، ما را بگیرید. این یعنی تقلید از ما. با تقلید مبارزه می کردند، مقلّد برای خودشان درست می کردند. این جالب بود يك کسی بنشیند برای مبارزه با تقلید

ص: 22

یکی قلم در دست بگیرد برای مبارزه با علم امام- علیه السلام -.

یکی قلم در دست بگیرد برای مبارزه با ولایت تکوینی.

دیگری يك کتاب بنویسد راجع به آقا امام حسین- علیه السلام - در رابطه با این که جنگ امام حسین- علیه السلام - برای حکومت بود ولی موفق نشد و شکست خورد. و علمی هم نداشت و اطلاعاتی هم نداشت و خبری جایی نبود.

کسی را مأمور کردند برای مبارزه با شفاعت.

و همین طور کارها را تقسیم کردند. در قالب روحانی و غیر روحانی. هر قسمتی از افکار و معارف و مقدسات شیعه را به عهده یکی گذاشتند تا بکوبد، خرد کند، له کند.

ص: 23

خمس را گذاشتند به عهده دیگری و... در عین حالی که همه ی این ها از يك جا الهام می گرفتند، در ظاهر در قسمت‌های مختلف شروع به کار کردند یکی در اصفهان یکی در تهران یکی در دامغان یکی مشهد.

تقسیم کردند که نتوانیم با آن مبارزه کنیم. اگر در يك جبهه بجنگیم آن یکی خالی می ماند در این بجنگیم دیگری خالی می ماند. عجیب نقشه را پیاده کردند اما ما هنوز داریم می گوییم: دزد کیست؟!

کتاب ها را می بینیم قلم ها را می بینیم افکار را می بینیم اعمال را می بینیم مبارزه با روحانیت را می بینیم، همه این ها را می بینیم، باز می گوییم دزد کیست؟!

ما کوتاهی نکردیم؟ ما میدان ها را باز نکردیم تا این ها همه جا را اشغال کنند؟

ص: 24

الآن هم من هشدار می دهم، و می گویم هواسستان جمع باشد میدان به این ها ندهید به بهانه های مختلف آوانس ندهید تا این ها خوب رخنه کنند.

يك روز هم دیگر دین در کشور نباشد. این، محسوس است چرا باید يك عده عناصر خائن جرأت پیدا کنند عسکرین - علیهما السلام - را خراب کنند؟ این به خاطر ماست! جدی کوتاهی کرده ایم.

ما به این آقایانی که اقدام به این کارها می کنند می گوئیم شما چه سودی از این کارها بردید؟

شما چه سودی از تخریب بقیع بردید؟ به جز این که روز به روز نفرت مردم دنیا از شما بیشتر می شود. شما این قدر احمق و نادانید که نمی دانید با خراب کردن مقبره ائمه نمی توانید شخصیت آنها را زیر سؤال ببرید. مگر می توانید محبت این ها را از دل مردم بیرون کنید؟

ص: 25

این چه کار احمقانه ای است.

شما فکر می کنید اگر ضریح عسکرین - علیهما السلام - خراب شود دیگر شخصیت این ها از بین می رود. تازه در دنیا گل کردند، در رادیو می گفت بوش يك عده ای را استخدام کرده تا بروند راجع به عسکرین - علیهما السلام - تحقیق کنند. بعد می گوید دیدیم این ها دو نفر از شخصیت های بزرگ اسلامی هستند.

دشمن اقرار می کند. صد سال، یا هزار سال دیگر هم عسکرین - علیهما السلام - مخروبه باشد این ها از بین رفتنی نیستند. علمشان در دنیا حاکم است. شخصیتشان حاکم است. معنویتشان حاکم است. مگر می شود با این خبرها حقایق را از بین برد؟ منهای این که خدای متعال وعده داده است :

ص: 26

خداوند وعده حفظ داده است. هم حفظ اسلام و هم حفظ تشیع که دلایل آن در قرآن و روایات موجود است.

این ها، همه مقدمات ظهور حجت خدا در روی زمین است. مگر وعده خدا خُلف دارد؟ ما مطمئن هستیم یقین داریم ایمان داریم که سفره این کثافت کاری ها و این خلاف کاری ها جمع می شود زمستان می رود و روسیاهی به ذغال می ماند. چرا این قدر احمقید؟ آن روز تا حالا که شما فتوا به قتل شیعه دادید کجا را گرفتید؟ حالا به فرض که چهار تا شیعه هم این گوشه و آن گوشه دنیا کشته شدند شما چه طرفی

ص: 27

می‌بندید؟ حالا فکر می‌کنید با کشته شدن شیعه دنیا در اختیار شما می‌آید؟

يك عده عناصر يهودی الاصل، فكر می‌کنند با كشتن شیعه و مسلمان ها به جایی می‌رسند!

يك اشتباه!! يك غلط!!

به هر حال ما امیدواریم ان شاءالله بتوانیم ندای خود را به دنیا برسانیم. ندای مظلومیت شیعه و ائمه شیعه را به دنیا برسانیم که مظلومیت رمز پیشرفت است و ظلم و ستم رمز نابودی و هلاکت می‌باشد.

والحمد لله با این حرکاتی که این‌ها کردند با این بمب‌گذاری‌ها با این آدم‌کشی‌ها با این خشونت‌ها آنچنان چهره‌نگینی در دنیا پیدا کرده‌اند که حد و حساب ندارد.

من خیلی نگران بودم چون در دنیا طوری بود که

ص: 28

وقتی اسم اسلام به میان می آمد وهابیت تداعی می شد.

اما با جنگ عراق و این مصیبت هایی که در آن جا پیش آمد مظلومیت شیعه برای مردم دنیا ثابت شد. نجابت و عفت شیعه برای دنیا ثابت شد. اگر این نجابت را شیعه ها نداشتند این ها چه می کردند؟

اگر می گفتند شما که به خودتان اجازه می دهید ساختمان عسکرین - علیهما السلام - را خراب کنید پس اجازه دهید ما هم به طور وضوح بتهای شما را خراب کنیم، صنمی قریش را خراب کنیم. آن وقت چه می شد؟ می توانستید این آتش را خاموش کنید؟ شیعه نجابت کرده و نجابتش در دنیا به نفعش بود.

مراجع شیعه می توانستند فتوا دهند که شما هم به هر سنی رسیدید قتل عامش کنید.

ص: 29

الآن فتوای بعضی از علمای گذشته را نمی گویم که نسبت به اهل سنت چه نظری داشتند. اگر این نظرات را مطرح کنیم آفت می شود. می گوئیم: ان شاء الله این ها مسلمان اند و خونشان هدر نیست. این ها از نجابت و عفت شیعه سوء استفاده کردند. فتوا به قتل می دهند. فتوا به کشتار دسته جمعی می دهند. به عنوان این که شیعیان مشرک اند.

این ها موحد واقعی هستند که خدا را جسم می دانند؟ یا ما که خطبه های امیرالمؤمنین - علیه السلام - سر لوحه عقایدمان است؟ ما مشرکیم؟!

آن خطبه هایی که احدی در دنیا دهان ندارد که بتواند چنین خطبه هایی به این جالبی را در مورد توحید بیان کند، آیا ما مشرکیم؟!

أف بر این منطق!!

ص: 30

به هر حال من خیلی از آقایان معذرت می خواهم، امیدوارم که آقایان هر کدام در حدّ خودشان تلاشی داشته باشند و قلمماً و لساناً از شیعه دفاع کنند. و ان شاء الله همه ما دست به دست هم بدهیم و جبران گذشته را بکنیم و توبه کنیم از این کم کاری هایی که شده و به این ها اجازه داده شده در ممالک اسلامی این طور شیطنت کنند و فساد راه بیاندازند.

و امیدواریم ناله ما به دنیا برسد و این ها را ان شاء الله سر جای خودشان بنشانند.

و از آقایان مراجع بزرگوار که با این برنامه ها همدلی کردند و تشویق کردند به برگزاری این مجالس تشکر می کنیم.

مخصوصاً از حضرت آية الله العظمى آقای شیرازی - سلمه الله تعالى - و جناب آية الله العظمى وحید

خراسانی و آية الله العظمى صافی، و همه آقایان مراجع و علماء و بزرگانی که همدلی و تشویق کردند متشکریم همچنین از آقایان حضار هم تشکر می کنیم که با شرکت در این مجالس دل امام زمان را ترمیم کردند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 32

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگویم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

